

معاهده تجارت اسلحه در فراز و نشیب انعقاد و اجرا: مطالعه‌ای تطبیقی با موازین عام حقوق بین‌الملل

پوریا عسکری*، کتایون حسین‌نژاد^۲

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی
۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، مؤسسه عالی مطالعات بین‌المللی و توسعه ژنو

پذیرش: ۹۵/۰۳/۲۷

دریافت: ۹۴/۰۹/۱۵

چکیده

معاهده تجارت اسلحه پس از مدت‌ها بحث و رایزنی در سطح بین‌المللی، در فرودین ماه سال ۱۳۹۲ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و سرانجام با ارائه پنجاهمین سند تصویب در مهرماه ۱۳۹۳، از تاریخ سوم دی‌ماه ۱۳۹۳ (۲۴ دسامبر ۲۰۱۴) لازم‌الاجرا شد؛ معاهده‌ای بحث‌برانگیز که نه تنها قبل از انعقاد و در طول مذاکرات منجر به تصویب نهایی آن، مواضع متفاوت دولت‌ها و توجه محافل حقوقی را به خود معطوف کرده بود، بلکه پس از تصویب نهایی و لازم‌الاجرا شدن نیز همچنان موضوع بحث و گفتگو در محافل علمی و سیاسی است. اگر پیش از انعقاد معاهده، پرسش اصلی در اذهان جهانیان، امکان نیل به یک توافق جهانی در مورد تجارت بین‌المللی اسلحه بود، امروز این سؤال مطرح است که آیا این معاهده، با وجود برخی نواقص، می‌تواند در بوته عمل کارساز باشد و هدف و موضوع خود را محقق کند. از آن‌جا که ارائه شمای کلی از پیچیدگی‌ها و تحولات ناظر بر این مسأله، ارزیابی دقیق‌تر از دستاوردهای محتمل این سند را ممکن می‌سازد، مقاله حاضر، نخست ترتیبات و مقررات بین‌المللی مربوط به تجارت سلاح و مهمات قبل از انعقاد معاهده تجارت اسلحه را مورد بررسی قرار داده و آنگاه نگاهی از درون به نقاط ضعف و قوت معاهده ۲۰۱۳ دارد تا مطالعه‌ای تطبیقی

Email: pouria.askary@gmail.com

* نویسنده مسؤول مقاله:

بین مفاد این معاهده و مقررات عام حقوق بین‌الملل به دست دهد.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل، معاهده تجارت اسلحه، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بشر، تجارت مسئولانه سلاح، قطعات تسلیحات و مهمات

۱. مقدمه

معاهده تجارت اسلحه با طی فراز و نشیب فراوان، در نهایت در بهار سال ۱۳۹۲ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید تا شاید بتواند تا حدودی بر لجام گسیختگی ناشی از تجارت غیرمسئولانه اسلحه و مهمات در جهان پایان بخشد. آمارهای سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که هر ساله هزاران نفر به دلیل پراکندگی گسترده اسلحه و مهمات جان خود را از دست می‌دهند یا بی‌خانمان و مجروح می‌شوند یا مورد تعارض و تجاوز قرار می‌گیرند [۱]. طبق این آمار، هر ساله به صورت میانگین هفتصد و پنجاه هزار نفر در خشونت‌های مسلحانه به قتل می‌رسند؛ این در حالی است که تولید تنها سلاح‌های کوچک در سال به رقم هشت میلیون قبضه می‌رسد که همراه است با تولید سالیانه دوازده میلیارد عدد فشنگ و مهمات که عددی است به اندازه دو برابر جمعیت کره خاکی. به عبارتی در ازای هر انسان در سال، دو گلوله کشنده تولید می‌شود [۲]. البته این ارقام همگی بر مبنای حدس و گمان است و متأسفانه هیچ آمار دقیقی از میزان این ارقام کشنده در جهان وجود ندارد؛ مهماتی که تقریباً بدون هیچ نظارتی در اختیار همگان قرار می‌گیرد تا مقدمات وقوع جنایات و خشونت‌هایی را که ما هر روزه در اخبار جهان شاهد آنیم، مهیا سازد.

در این مقاله، ابتدا، هنجارهای مرتبط حقوق بین‌الملل و تلاش‌های صورت گرفته در مورد تنظیم تجارت مسئولانه اسلحه و مهمات تا پیش از انعقاد معاهده مزبور مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و سپس معاهده ۲۰۱۳ تجارت اسلحه به تفصیل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در نهایت ارزیابی کلی از میزان اثرگذاری این معاهده با توجه به مقررات عام حقوق بین‌الملل به عمل خواهد آمد.



۲. حقوق بین‌الملل و تجارت اسلحه

در حقوق بین‌الملل تا پیش از تصویب نهایی معاهده تجارت اسلحه قواعد دقیقی برای نظارت بر تجارت اسلحه و مهمات و به طور خاص سلاح‌های متعارف وجود نداشت تا آنجا که می‌توان گفت قواعد هنجاری بین‌المللی مربوط به تجارت موز، مبسوط‌تر از قواعد مرتبط با تجارت تسلیحات و مهمات بوده است. دلیل این امر روشن است: از یک سو در حقوق بین‌الملل پیش‌تر تلاش شده تا سلاح‌های کشتار جمعی و خطرناک محدود و ممنوع شوند و نحوه استفاده از این تسلیحات نظام‌مند شود و از سوی دیگر، قدرت‌های بزرگ تولیدکننده سلاح‌های متعارف و مهمات مایل نیستند تا درآمدهای هنگفت خود را با هیچ‌گونه تهدید یا تحدید ناشی از نظام‌مندی تجارت اسلحه مواجه سازند. با این حال می‌توان با مراجعه به منابع عام حقوق بین‌الملل، برخی محدودیت‌های ضمنی در این خصوص را مورد شناسایی قرار داد.

۲-۱. حقوق بین‌المللی بشردوستانه

تعهد به رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه، از جمله بنیادی‌ترین تعهدات حقوق بین‌الملل است که جنبه عام‌الشمول دارد. از این رو، دولت‌های فروشنده، واگذارکننده، ترانزیت‌کننده یا ارسال‌کننده سلاح و مهمات تعهد دارند که با ارسال سلاح و مهمات موجبات نقض حقوق بشردوستانه و حقوق بشر را در جریان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و داخلی فراهم نیاورند. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز با وضع تحریم‌هایی بر مبنای همین تعهد، در مورد دولت‌های ساحل عاج [۳]، لیبیا [۴] و سومالی [۵] و نیز گروه‌های معارض در کنگو [۶]، لیبیا [۴]، رواندا [۷]، سیرالئون [۸]، سودان [۹] و گروه القاعده [۱۰] بر اهمیت این مقررہ تأکید کرده است.

۲-۲. حقوق بین‌الملل بشر

حسب قواعد حقوق بشر، دولت‌ها باید با نقض حقوق بشر توسط ارکان یا افرادی که تحت صلاحیت آنان عمل می‌کنند، برخورد کنند. طبق اصول مصوب سال ۱۹۹۰ سازمان ملل متحد

در مورد کاربرد زور و اسلحه گرم توسط نیروهای پلیس [۱۱] مراعات حقوق بشر در اقدامات پلیسی و انتظامی که با کاربرد اسلحه گرم همراه است، مورد تأکید قرار گرفته است. این سند باید همواره مورد توجه دولت‌ها باشد و در صادرات یا فروش اسلحه به دیگر کشورها، میزان پایبندی دولت مقصد به اصول مندرج در این سند را مورد ارزیابی قرار دهند. البته میزان الزام ناشی از این اصول مورد تردید جدی است؛ چنان‌که در سال ۱۹۹۵، در دعوای یک تبعه عراق به نام توگور علیه دولت ایتالیا که نزد کمیسیون اروپایی حقوق بشر مطرح شده بود، خواهان که قربانی مین‌های ساخت کشور ایتالیا بود مدعی شد که دولت ایتالیا در فروش مین‌ها به عراق به اندازه کافی به مقررات حقوقی توجه نداشته است؛ اما کمیسیون با این استدلال که بین اقدام ایتالیا در فروش مین و حادثه انفجار منجر به جرح آقای توگور رابطه‌ای وجود ندارد، دعوای خواهان را رد کرد [۱۲، ص ۳].

البته با توجه به آنچه در معاهده تجارت اسلحه مبنی بر تعهد دولت‌ها به رعایت و تضمین مراعات حقوق بشر آمده و نیز تعهد به پیشگیری از نقض حقوق بشر در چارچوب دکترین مسؤولیت حمایت، می‌توان بر آن بود که تعهد دولت‌ها از منظر حقوق بشر در توجه به مختصات و کارنامه حقوق بشری دولت مقصد سلاح و مهمات ارسالی، باید بیش‌تر مورد توجه و تأکید مراجع قضایی قرار گیرد.

۲-۳. مسؤولیت کیفری فردی در خصوص تجارت غیرقانونی و قاچاق

اسلحه و مهمات

موضوع تأمین غیرقانونی سلاح و مهمات در هیچ‌یک از اساسنامه‌های محاکم کیفری بین‌المللی به‌صراحت ذکر نشده، اما در رویه محاکم بین‌المللی کیفری موارد متعددی از محکومیت کیفری افراد تحت عنوان کمک و مساعدت در ارتکاب جنایات بین‌المللی از طریق تأمین سلاح و مهمات یافت می‌شود. در دومین پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد جنایات علیه صلح و امنیت علیه بشریت، مصوب ۱۹۹۶ مسؤولیت کیفری در مواردی که فرد «آگاهانه، کمک و مساعدت یا به نوعی همکاری، مستقیم و مهم، در ارتکاب چنین جنایاتی از جمله از طریق ارائه ابزارهای ارتکاب آن جرم کند» مورد شناسایی قرار گرفته است [۱۳]. دیوان بین‌المللی کیفری



برای یوگسلاوی سابق نیز نخستین بار در قضیه تادیچ، عناصر جنایت کمک و مساعدت را بر می‌شمرد [۱۴]: عنصر معنوی آگاهی کمک‌کننده از جنایات ارتكابی اصیل و عنصر مادی کمک موثر و وجود «جهت خاص»^۱ تعیین مؤثر بودن کمک ارائه شده به موجب رویه دیوان، امری است که در هر قضیه باید جداگانه و با توجه به وقایع هر پرونده بررسی شود [۱۴، بند ۱۲۸؛ ۱۵، بند ۱۳۴؛ ۱۶، بند ۴۸]. در مورد جهت خاص عنصر مادی کمک و مساعدت، دیوان در موارد متعددی یادآور می‌شود که در اثبات جهت خاص، لازم نیست رابطه علیت میان کمک ارائه شده و جنایت ارتكابی وجود داشته باشد [۱۶، بندهای ۳۷ تا ۳۹؛ ۱۷، بند ۴۸؛ ۱۸، بند ۸۱]. از آرای متعدد محاکم خاص بین‌المللی می‌توان به قضیه پرسبیچ، فرمانده ستاد ارتش یوگسلاوی سابق که متهم به ارائه کمک و مساعدت در ارتكاب جنایات بین‌المللی علیه مسلمانان بوسنی در سارایوو و صربنیکا توسط ارتش جمهوری صرب، از جمله از طریق ارائه سلاح و مهمات بود [۱۶] و همچنین آرای دیوان رواندا برای نمونه در قضیه آکایسو [۱۹، بند ۵۳۷] و دیوان سیرالئون در قضیه چارلز تیلور [۲۰، بند ۲۶] اشاره کرد که در همگی این آراء، صرف وجود آگاهی (سوءنیت عام) کمک‌کننده از ارتكاب جنایات بین‌المللی توسط اصیل و ارائه کمک از جمله با تأمین سلاح را برای تحقق مسؤلیت کیفری فردی کافی دانسته‌اند. متأسفانه علیرغم این رویه گسترده، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، در تعریف عناصر کمک و مساعدت در ارتكاب جنایات بین‌المللی (شق «ج» بند ۳ ماده ۲۵) عنصر معنوی این جرم را از سوءنیت عام به سوءنیت خاص (وجود قصد) تغییر داده است؛ امری که می‌تواند تأثیر منفی بر بازدارندگی و تحقق عدالت کیفری داشته باشد. باید دید آیا دیوان بین‌المللی کیفری در روش خود در جهت همگامی بیشتر با رویه سایر محاکم گام برمی‌دارد یا خیر. صرفنظر از مسأله سوءنیت، در تحقق عنصر مادی جرم کمک و مساعدت از طریق تأمین سلاح اتفاق نظر وجود دارد.^۲

۲-۴. حقوق مسؤلیت بین‌المللی

1. substantial contribution and specific direction

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص موازین حقوق بین‌الملل و تجارت اسلحه نگاه کنید به: [۲۱؛ ۲۲؛ ۲۳؛ ۲۴؛ ۲۵؛ ۲۶].

طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها که در سال ۲۰۰۱ توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد ارائه شده، حاوی قواعد و مقرراتی است که می‌توان از آن‌ها در بحث حاضر نیز بهره گرفت:

۲-۴-۱. ماده ۱۶ طرح: توجه به استفاده و نحوه استفاده غایی از سلاح و مهمات

طبق ماده ۱۶ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل، کمک و حمایت آگاهانه از ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، یعنی استفاده نامشروع از سلاح و مهمات به نحوی که موجب نقض قواعد بین‌المللی حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه باشد، در صورت تحقق شروط سه‌گانه زیر می‌تواند موجب طرح مسئولیت بین‌المللی دولت باشد:

الف) دولت کمک یا حمایت‌کننده بداند و آگاه باشد که تسلیحات و مهماتی که در اختیار طرف استفاده‌کننده قرار داده است، در جهت نامشروع به کار خواهند رفت. بدیهی است که در جهان امروز که پدیده رسانه و اینترنت همه وقایع و اتفاقات جهان را بلافاصله به اطلاع همگان می‌رساند، تحقق این شرط چندان دشوار به نظر نمی‌رسد.

ب) ارتباط بین نقل و انتقال سلاح و نقض حقوق بین‌الملل وجود داشته باشد؛ و

ج) تعهدات نقض شده توسط استفاده‌کننده از سلاح و مهمات از جمله تعهدات دولت کمک‌کننده و حمایت‌کننده نیز محسوب شوند. بدیهی است که همه دولت‌ها، نسبت به مقررات بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه متعهد هستند.

۲-۴-۲. بند ۲ ماده ۴۱ طرح مبنی بر عدم شناسایی موقعیت و وضعیتی که به واسطه نقض جدی حقوق بین‌الملل ایجاد شده و تعهد مبنی بر عدم کمک یا حمایت در حفظ و تداوم این وضعیت غیرقانونی

به نظر می‌رسد در شرایط نقض مقررات حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه که مثال بارز آن وضعیت این روزهای عراق و سوریه در نتیجه جنایات گروه موسوم به داعش است، ارسال سلاح و مهمات برای طرف متخلف علاوه بر این‌که به مثابه کمک و حمایت در تداوم وضعیت تلقی می‌شود، می‌تواند تا حدی به معنای شناسایی آن وضعیت غیرقانونی نیز



۳. اقدامات صورت گرفته در جهت مقابله با تجارت غیرمسئولانه اسلحه تا پیش از تصویب معاهده ۲۰۱۳^۱

۳-۱. اقدامات در سطح جهانی

۳-۱-۱. نظام ثبت داوطلبانه تسلیحات متعارف نزد سازمان ملل متحد

در سال ۱۹۹۸، مجمع عمومی طی قطعنامه‌ای از دبیرکل می‌خواهد تا در مورد شفافیت تجارت تسلیحات متعارف تحقیق کند [۲۹]. گزارش دبیرکل به مجمع عمومی ارائه می‌شود و متعاقب آن در سال ۱۹۹۲، نظام ثبت داوطلبانه تولید، انتقال و مالکیت سلاح‌های متعارف در نظام ملل متحد شکل می‌گیرد [۳۰] که هر ساله گزارش‌هایی را در مورد وضعیت تسلیحات در جهان منتشر می‌کند^۲. از دیگر نتایج این گزارش دبیرکل، تأسیس اداره امور خلع سلاح در سال ۱۹۹۸ بود که در نهایت در سال ۲۰۰۷ به دفتر امور خلع سلاح تغییر نام یافت.

۳-۱-۲. برنامه اقدام برای پیشگیری، مبارزه و ریشه‌کن کردن تجارت غیرقانونی سلاح‌های کوچک و سبک در کلیه اشکال آن

در این برنامه اقدام که در سال ۲۰۰۱ در کنفرانس سازمان ملل در مورد سلاح‌های سبک تصویب شد [۳۲]، دولت‌ها توافق خود را برای انجام اقداماتی در جهت کنترل صادرات و واردات سلاح‌های سبک، مدیریت زرادخانه‌ها و همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ابراز کردند. در راستای انجام تعهدات مندرج در برنامه اقدام، مجمع عمومی در سال ۲۰۰۵، سند پیگیری بین‌المللی [۳۳] را به تصویب رساند که از دولت‌ها می‌خواهد نشانه‌گذاری دقیق تسلیحات را تضمین کرده، ترتیبات لازم برای حفظ سوابق و پیگیری تسلیحات ارسالی را اتخاذ کنند. بدیهی

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص مقابله با تجارت غیرمسئولانه اسلحه نگاه کنید به: [۲۷؛ ۲۸].

۲. برای مشاهده آخرین گزارش‌های این نظام نگاه کنید به: [۳۱].

است هیچ‌یک از این اسناد، از لحاظ حقوقی تعهدآور نیستند.

۳-۱-۳. ترتیبات وازنار

این ترتیبات که در سال ۱۹۹۶ با هدف مشارکت در تأمین ثبات و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق بیش‌تر کردن شفافیت و مسؤولیت در انتقال سلاح، اقلام و فناوری‌های با کاربرد دوگانه ایجاد شده است، یک سند الزام‌آور بین‌المللی تلقی نمی‌شود، بلکه تنها شامل مشارکت داوطلبانه برخی دولت‌ها و از جمله مهم‌ترین صادرکنندگان اسلحه (به استثنای چین) در انتقال اطلاعات است [۳۴].

۳-۱-۴. کمپین برندگان جایزه صلح نوبل

از سال ۱۹۹۶، برندگان این جایزه کمپینی را درخصوص تجارت تسلیحات آغاز کرده اند که در آن به ویژه مراعات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و نیز همکاری با نظام ثبت داوطلبانه ملل متحد، مورد تأکید قرار گرفته است [۳۵].

۳-۱-۵. پروتکل سوم الحاقی به کنوانسیون پالرمو

در ۳۱ مه ۲۰۰۱، پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۲۰۰۰ ملل متحد در مورد جنایات سازمان یافته، درخصوص تولید و تجارت غیرقانونی سلاح‌های گرم به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. پروتکل در ۳ ژوئیه ۲۰۰۵ لازم‌الاجرا شد، اما صرفاً محدود به جنایات سازمان یافته است و فروش‌های دولتی را شامل نمی‌شود.

۳-۱-۶. مقدمات معاهده تجارت اسلحه

در اجلاس سران سال ۲۰۰۵ ملل متحد، از دبیرکل خواسته شد تا درخصوص سندی جامع و لازم‌الاجرا در مورد صادرات، واردات و انتقال سلاح‌های متعارف مطالعه‌ای را صورت دهد. دبیرکل، گزارش‌های متعددی را در این خصوص ارائه کرد و در نهایت مجمع عمومی در قطعنامه ۶۴/۴۸ در تاریخ ۱۲ ژانویه ۲۰۱۰، تصمیم گرفت تا در ژوئیه ۲۰۱۲ اجلاس دیپلماتیکی

برای تصویب یک کنوانسیون جامع در مورد تجارت اسلحه تشکیل شود.

۲-۳. اقدامات در سطح منطقه‌ای

۱-۲-۳. قواعد رفتاری اتحادیه اروپا

این قواعد که در ۸ ژوئن ۱۹۹۸ به تصویب شورای اتحادیه رسیده است، جامع‌ترین سند الزام‌آور منطقه‌ای است که درخصوص تجارت و صادرات اسلحه با توجه به قواعد حقوق بین‌الملل وجود دارد [۳۶]. این قواعد در دسامبر ۲۰۰۸ مورد بازنگری قرار گرفته‌اند [۳۷].

۲-۲-۳. آفریقا

در ۲۱ آوریل ۲۰۰۴، پروتکل پیشگیری، کنترل و کاهش سلاح‌های کوچک و سبک در منطقه شاخ آفریقا و دریاچه‌های بزرگ توسط کشورهای این مناطق به تصویب رسید که از ۵ مه ۲۰۰۶ با ۱۲ عضو لازم‌الاجرا شد. پروتکل، دولت‌های عضو را ملزم به اتخاذ تدابیر ملی خاص، تقویت ظرفیت‌ها برای اعمال کنترل بر سلاح‌های در اختیار دولت و همچنین جمعیت غیرنظامی می‌کند [۳۸]. همچنین جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا^۱ در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۶، کنوانسیون سلاح‌های کوچک و سبک را به تصویب رساند [۳۹] و در ۳۰ آوریل ۲۰۱۰ برخی از دول آفریقایی، کنوانسیون آفریقای مرکزی برای کنترل سلاح‌های کوچک و سبک را به تصویب رساندند که البته هنوز لازم‌الاجرا نشده است [۴۰].

۳-۲-۳. آمریکا

در قاره آمریکا، کنوانسیون آمریکایی تولید و قاچاق غیرقانونی سلاح گرم در ۱۴ اکتبر ۱۹۹۷ به تصویب رسید و اکثر کشورهای آمریکایی به استثنای ایالات متحده و کانادا که البته بزرگ‌ترین تأمین‌کننده اسلحه در منطقه هستند، به این سند پیوسته‌اند [۴۱]. در ایالات متحده تنها اقدام در این زمینه به سال ۱۹۹۹ و به تصویب قواعد رفتاری تجارت بین‌المللی اسلحه [۴۲] در کنگره باز

1. The Economic Community Of West African States (ECOWAS)

می‌گردد که به دولت اجازه مذاکره با دیگر دولت‌ها را به منظور شفافیت‌سازی بیشتر انتقال سلاح می‌دهد. این مجوز صرفاً منتهی به صدور اعلامیه مشترک اتحادیه اروپا و ایالات متحده [۴۳] برای اعلام تعهد به همکاری مشترک به منظور اتخاذ اصول مسئولیت، شفافیت و محدودیت بر صادرات سلاح خود شد.

۴. معاهده تجارت اسلحه

۴-۱. اجلاس سال ۲۰۱۲

اجلاس سال ۲۰۱۲ ملل متحد از تاریخ ۲ تا ۲۷ ژوئیه در نیویورک برگزار شد. ریاست اجلاس بر عهده سفیر آرژانتین در سازمان ملل قرار گرفت و نماینده جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یکی از ۱۴ نایبرئیس انتخاب شد که این امر موجب اعتراض شدید هیأت آمریکایی گردید.

دو هفته اول اجلاس به صحبت‌های نمایندگان کشورها اختصاص داشت و در هفته آخر، متن پیش‌نویس اولیه معاهده در اختیار دولت‌ها قرار گرفت؛ اما در روز آخر اجلاس، ایالات متحده و چند کشور دیگر اعلام کردند که برای بررسی متن پیش‌نویس به زمان و وقت بیشتری نیاز دارند و به این ترتیب، اجلاس بدون هیچ دستاورد خاصی به کار خود پایان داد. متعاقباً مجمع عمومی در ۴ ژانویه ۲۰۱۳ در قطعنامه ۶۷/۲۳۴، تصمیم به برگزاری مجدد اجلاس در ۸ تا ۲۸ مارس ۲۰۱۳ گرفت.

۴-۲. اجلاس سال ۲۰۱۳

پیش‌نویس سال ۲۰۱۲، در ماه مارس ۲۰۱۳ مجدداً در کنفرانس دیپلماتیک سازمان ملل متحد به بحث گذارده شد و این بار مخالفت سه کشور ایران، کره شمالی و سوریه مانع شکل‌گیری اجماع بود. به این ترتیب، اجلاس واپسین سازمان ملل متحد نیز به شکست انجامید و بلافاصله موضوع تصویب معاهده در مجمع عمومی سازمان ملل به رأی گذاشته شد و معاهده در ۲ آوریل ۲۰۱۳ (۱۳ فروردین ۱۳۹۲) در مجمع عمومی با ۱۵۴ رأی مثبت، ۲۳ رأی ممتنع و ۳ رأی



منفی ایران، سوریه و کره شمالی به تصویب رسید.^۱

معاهده تجارت اسلحه تا زمان نگارش این سطور (اردیبهشت ۱۳۹۵)، به امضای ۱۳۰ کشور از جمله ایالات متحده آمریکا رسیده و ۸۰ کشور از جمله ۵ کشور از میان ۱۰ کشور اصلی صادرکننده سلاح یعنی آلمان، فرانسه، انگلستان، ایتالیا و اسپانیا آن را تصویب کرده‌اند.^۲ طبق ماده ۲۲ این معاهده، این سند ۹۰ روز پس از مبادله پنجاهمین سند تصویب برای اعضا لازم‌الاجرا شد. از آنجا که پنجاهمین سند تصویب در ۶ مهرماه ۱۳۹۳ (۲۸ سپتامبر ۲۰۱۴) ارائه شد، معاهده تجارت اسلحه از تاریخ سوم دی‌ماه ۱۳۹۳ (۲۴ دسامبر ۲۰۱۴) لازم‌الاجرا شده است. ماده ۲۳ به دولت‌ها اجازه می‌داد تا قبل از لازم‌الاجرا شدن معاهده در مورد اجرای موقت مواد ۶ و ۷ معاهده توافق کنند. بر این اساس، ۱۸ کشور اعلامیه اجرای موقت این مواد را در هنگام تصویب ارائه کردند. به موجب ماده ۲۵ رزرو به معاهده امکان‌پذیر است که از میان رزروهای ارائه شده، رزرو دولت نیوزیلند قابل توجه است.^۳ بند ۳ از ماده ۶ یکی از چالش‌برانگیزترین مفاد این معاهده در مورد ممنوعیت نقل و انتقال سلاح در مورد نقض‌های فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است که در بخش بعدی مفصلاً به آن می‌پردازیم. به نظر نیوزیلند، محتوای این بند باید شامل جنایات ارتكابی هم در زمان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و هم غیربین‌المللی شود و همچنین به طور خاص، شامل نقض جدی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و جنایات جنگی به نحو مقرر در کنوانسیون و مقررات لاهه ۱۹۰۷، پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، در صورت عضویت، باشد. به نظر نیوزیلند بند ۳ ماده ۷ باید به صورت خودداری از صدور هرگونه مجوز در صورت وجود «خطر بالا و برجسته» تفسیر شود (مفهوم «خطر بالا و برجسته» مفصلاً در بخش بعد بررسی خواهد شد) و این‌که دامنه شمول معاهده صرفاً محدود به مبادلات مالی نشده، شامل کلیه مبادلات غیرمالی از جمله هدیه، امانت و... که منجر به نقل و انتقال سلاح باشد نیز می‌شود. لازم به ذکر است که رزروهای کشورهای سوئیس (۳۰ ژانویه ۲۰۱۵) و لیختن اشتاین (۱۶ دسامبر

۱. برای مشاهده آرای دولت‌ها نگاه کنید به: [۴۴] و برای مطالعه متن نهایی معاهده نگاه کنید به: [۴۵].

۲. برای دسترسی به آخرین تحولات نگاه کنید به: [۴۶].

۳. برای دسترسی به متن کامل اعلامیه نگاه کنید به: [۴۷].

(۲۰۱۴) نیز حاوی مضامین مشابهی هستند.

۳-۴. تحلیل محتوا و مقررات اصلی معاهده تجارت اسلحه

۱-۳-۴. مقدمه، اصول و موضوع و هدف معاهده

تأکید اصلی مقدمه معاهده تجارت اسلحه، بر اهمیت مبارزه و برخورد با قاچاق اسلحه و تجارت غیرمسئولانه تسلیحات در عین حمایت از حقوق حاکمیتی و نیز منافع مشروع سیاسی، امنیتی، اقتصادی و تجاری دولت‌ها از تجارت تسلیحات متعارف است. مقدمه به مضامین حقوق بشر، توسعه و صلح و امنیت به‌عنوان سه رکن متصل نظام امنیت دسته‌جمعی و نظام ملل متحد اشاره دارد و بر این نکته اساسی تأکید کرده که معاهده حاضر باید بتواند تأمین‌کننده منافع دولت‌ها و جامعه بین‌المللی در این سه حوزه باشد. از دیگر نکات مقدمه، توجه به نقش بارز سازمان‌های غیردولتی درخصوص آگاهی‌رسانی در مورد معاهده و اجرای معاهده است [۴۸]، [۴۹].^۱

در بند مربوط به اصول، به تعهد بین‌المللی مربوط به رعایت و تضمین مراعات حقوق بشردوستانه و حقوق بشر اشاره شده که می‌توان تعمیم این تعهد به موازین حقوق بشر را در زمره نوآوری‌های معاهده تجارت اسلحه قلمداد کرد. در قسمت اصول، مجدداً بر احترام به منافع مشروع دولت‌ها در تولید، صادرات، واردات و نقل و انتقال تسلیحات متعارف برای اعمال حق دفاع مشروع ویا برای شرکت در عملیات‌های حفظ صلح تأکید شده است. البته، اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، که از جمله اصول اساسی حقوق بین‌الملل امروزی است، نه در مقدمه و نه در اصول و نه در هیچ‌یک از مواد معاهده مورد توجه قرار نگرفته است. با وجود آن‌که بی‌تردید، عدم قید این اصل کاستی بزرگی برای معاهده محسوب می‌شود، اما چنین قفدانی نمی‌تواند خدشه‌ای به اصل حق تعیین سرنوشت وارد آورد. هدف معاهده عبارت است از مشارکت در تأمین صلح و امنیت و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی، کاهش آلام بشری و ارتقای تجارت مسئولانه اسلحه. موضوع معاهده نیز ممانعت از تجارت غیرقانونی و انحراف ناصواب

۱. برای بررسی نظرات مخالف در خصوص بی‌اهمیت بودن تأثیر ناچیز این معاهده در بحث تجارت اسلحه نگاه کنید به: [۵۰].



تسلیحات عنوان شده که از طریق وضع بالاترین استانداردهای بین‌المللی میسر خواهد شد.

۲-۳-۴. قلمرو معاهده

معاهده تجارت اسلحه اقسام جنگ‌افزارهای متعارف شامل تانک‌ها، هواپیماها، هلی‌کوپترها، موشک‌ها و سلاح‌های کوچک و سبک و نیز مهمات و قطعات آنها را در بر می‌گیرد؛ اما جنگ‌افزارهایی از جمله نارنجک‌های دستی، مواد انفجاری متعارف، مین‌های زمینی، روبات‌های جنگی و پهپادهای مسلح در دایره شمول این معاهده قرار ندارند. البته طبق بند ۳ ماده ۵ معاهده، همه دولت‌های عضو به تفسیر موسع معاهده ترغیب شده‌اند و از این رو، برخی از کشورها مثل مکزیک و نیوزیلند و نیز کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر این نظرند که کشورها می‌توانند با تفسیر موسع معاهده، دامنه شمول معاهده را به‌ویژه در قوانین ملی خود توسعه دهند [۴۸].

بند ۲ ماده ۲ معاهده از واژه *trade* در مفهوم «مبادله» استفاده کرده که شامل صادرات، واردات، ترانزیت، حمل و نقل و دلالی است. البته برخی از کشورها از جمله اعضای اتحادیه اروپا، ایالات متحده و نیوزیلند، *trade* را شامل مبادلات غیرتجاری مثل قرض و هدیه هم دانسته‌اند و این عبارت را شامل مبادلات اعم از تجاری و غیر آن می‌دانند؛ ولی کشورهای مثل چین معتقدند که این واژه به هیچ وجه شامل هدیه نمی‌شود. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، از دولت‌ها خواسته تا در قالب اعلامیه‌های تفسیری با توجه به موضوع و هدف معاهده، واژه *trade* را مورد تفسیر موسع قرار داده، آن را شامل اقسام مبادلات اعم از تجاری و غیر آن کنند [۴۸]. باید توجه کرد که در عنوان معاهده نیز واژه *trade* به کار رفته، ولی بی‌تردید بند ۲ ماده ۲ حداقل دامنه مفهومی این عبارت را برای ما روشن می‌سازد. به زعم ما نمی‌توان در مقام تفسیر و با توجه به معنای معمول و متداول این عبارت، آن را صرفاً منحصر به تجارت در مفهوم مضیق آن تعبیر و تفسیر کرد؛ بلکه آن‌چنان‌که از بند ۲ ماده ۲ معاهده بر می‌آید، این عبارت حداقل باید شامل همه موارد مذکور در این بند باشد. در رزرو برخی از دولت‌ها و از جمله دولت سوئیس، این عبارت شامل هدایا نیز شده است.

بند ۳ ماده ۲ اشاره به این نکته دارد که دولت‌ها می‌توانند تسلیحات متعارف خود را در سطح بین‌المللی جابه‌جا کنند؛ مشروط بر آن‌که در این جابه‌جایی، مالکیت تسلیحات همواره متعلق به

خود دولت جابه‌جاکننده باشد. این ماده نیز نیاز به تفسیر موسع دارد تا مانع اجاره دادن یا استقراض تسلیحات شود.

مهمات و قطعات صرفاً در مورد صادرات و آن‌جا که مربوط به تسلیحات متعارف مطروح در بند ۱ ماده ۲ باشند (البته با تأکید بر مواد ۶ و ۷) در شمول کنترل‌های معاهده قرار دارند که البته این خود محدودیتی بسیار مهم است؛ زیرا سلاح‌های بیشمار فعلی پراکنده در جهان، بدون مهمات نمی‌توانند کارایی خاصی از خود بروز دهند و نیز ممنوعیت صادرات قطعات مانع تعمیر سلاح‌های معیوب و یا دور زدن معاهده با ارسال دانه‌دانه قطعات می‌شود؛ اما در هر صورت، مواد ۳ (مهمات) و ۴ (قطعات) و رابطه این مواد با مواد ۶ و ۷ کمی ابهام‌برانگیز است.

۳-۳-۴. ممنوعیت‌ها

بندهای ۱ و ۲ ماده ۶ به ممنوعیت مبادله سلاح، مهمات و قطعاتی اشاره دارند که یا موضوع قطعنامه‌های طبق فصل هفتم شورای امنیت هستند و یا موضوع معاهدات بین‌المللی هستند که البته درخصوص معاهدات باید گفت به نظر می‌رسد این معاهدات عمومیت دارند و مثلاً علاوه بر مین‌های ضد نفر یا بمب‌های خوشه‌ای، می‌توانند محدودیت‌های ناشی از سایر معاهدات و از جمله معاهدات حقوق بشری را نیز شامل شوند.

بند ۳ ماده ۶ که در واقع مهم‌ترین مقررۀ بشردوستانه معاهده هم محسوب می‌شود مقرر می‌دارد که مبادله سلاح، مهمات و قطعات ممنوع است؛ البته چنانچه دولت مبادله‌کننده «بداند»^۱ که این اقدام در ارتکاب ژنوساید، جنایت علیه بشریت، نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۹۴۹، حمله علیه اشخاص و اهداف مورد حمایت یا سایر جنایات جنگی تعریف شده در معاهدات بین‌المللی که دولت عضو آن است، «به کار می‌روند»^۲.

در پیش‌نویس سال ۲۰۱۲ معاهده، دولت‌ها از مبادله این اقلام «به قصد» تسهیل ارتکاب این موارد منع شده بودند و در اجلاس سال ۲۰۱۳، در جریان مذاکرات عنوان شد که هیچ دولتی نیت و قصد خود دال بر تسهیل ارتکاب موارد پیشگفته را ابراز نخواهد کرد و به این ترتیب، این تغییر بسیار مهم و اساسی در متن سند نهایی معاهده منظور شد.

1. has knowledge
2. would be used



حقوقدانان برای تفسیر واژه «دانستن» که در بند ۳ ماده ۶ آمده است، به ماده ۳۰ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع می‌دهند که مقرر می‌دارد: دانستن یعنی آگاهی از شرایط موجود و یا آگاهی از نتیجه‌ای که از سیر معمول حوادث موجود به وقوع می‌پیوندد. ماده ۱۶ طرح مسئولیت کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز آن‌چنانکه پیش‌تر به آن اشاره شد، از «دانستن» در خصوص کمک و مساعدت در ارتکاب جنایات بین‌المللی، صحبت به میان می‌آورد. با توجه به این موارد، به نظر می‌رسد که واژه «دانستن» صرفاً محدود به علم اجمالی به وقایع و حوادث باشد و در تفسیر این بند از ماده ۶ معاهده تجارت اسلحه نباید از عبارت «دانستن»، به علم قطعی و یقینی تعبیر کرد؛ به ویژه آن‌که لازم است تفکیکی میان علم و اطلاع در بحث مسئولیت بین‌المللی و مسأله آگاهی در حقوق بین‌الملل کیفری قائل شد. به علاوه کارنامه حقوق بشری هر دولتی نیز به خوبی می‌تواند گویای میزان پایبندی آن دولت به تعهدات ناشی از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه باشد و از این منظر نیز حصول علم اجمالی به سرنوشت نهایی تسلیحات ممکن می‌نماید.

البته در مورد جنایت ژنوساید، کنوانسیون منع ژنوساید دولت‌ها را به ممانعت از ژنوساید متعهد کرده و دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رأی سال ۲۰۰۷ در دعوای بوسنی علیه صربستان به وضوح تصریح کرده که تعهد ممانعت از ژنوساید حتی بدون وجود «قطعیت» نسبت به حادث شدن این جنایت نیز مورد نقض قرار می‌گیرد [۵۱].

بند ۳ ماده ۶ در مورد جنایات جنگی، به ویژه اگر دولت عضو معاهده تجارت اسلحه، عضو دیوان بین‌المللی کیفری نباشد، به شدت قابل انتقاد است؛ زیرا دامنه محدودی را در بردارد و به طور خاص شامل موارد زیر نمی‌شود:

- نقض جدی ماده ۳ مشترک در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی (زیرا این بند فقط نظام نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های چهارگانه را در بردارد که مختص به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است)؛ و

- نقض قواعد مربوط به هدایت مخاصمات به غیر از حمله علیه غیرنظامیان و اموال غیرنظامی. جدول ذیل نشان می‌دهد که بند ۳ ماده ۶ در مورد دول عضو اساسنامه رم و سایر دولت‌ها چه میزان جنایات جنگی را شامل شده است:

نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو	اگر دولت عضو معاهده تجارت اسلحه، عضو پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ باشد	اگر دولت عضو معاهده تجارت اسلحه، عضو اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری باشد	حملات علیه اشخاص و اموال غیرنظامی	جنايات جنگی منبعث از حقوق بین‌الملل عرفی
بله	بله	بله	بله	خیر
خیر	خیر	بله	بله	خیر

ماده ۷ معاهده در تکمیل ماده ۶ آمده و مقرر می‌دارد که دولت عضو قبل از «صادرات» سلاح، مهمات و قطعات، باید بررسی کند که این اقالم به صورت بالقوه موجب ارتکاب یا تسهیل نقض جدی حقوق بین‌المللی بشردوستانه یا حقوق بین‌الملل، خدشه به صلح و امنیت بین‌المللی، ارتکاب یا تسهیل تروریسم یا جنایات سازمان‌یافته و خشونت‌های مبتنی بر جنسیت یا خشونت علیه زنان و کودکان نشوند؛ و اگر نتیجه بررسی‌ها حاکی از وجود «خطر بالا و برجسته»^۱ باشد، نباید مجوز صادرات داده شود و اگر اطلاعات جدیدی حتی بعد از صدور مجوز هم به دست آید، طبق این ماده، دول عضو تشویق به تجدیدنظر در مجوز سابق شده‌اند. البته در این مورد نیز معاهده تجارت اسلحه قابل اشکال است؛ زیرا تجدیدنظر در قرارداد و مجوز صادرات علی‌الاصول موجب نقض قرارداد است. صاحب‌نظران معتقدند که در این مورد نیاز بود که در معاهده قید می‌شد که طرف مقابل حق اقامه دعوا نخواهد داشت. همچنین باید معاهده مقرر می‌کرد در صورتی که اثبات شود طرفی که قرارداد خود را لغو کرده است دچار اشتباه و تقصیر شده است، طرف متضرر حق جبران خسارت دارد. از دیگر ایرادات متوجه این ماده و

1. overriding risk



ماده ۶ معاهده، عدم درج جنایت تجاوز در شمول موارد مذکور در این مواد است. در مجامع بین‌المللی، آستانه «خطر بالا و برجسته» که در ماده ۷ آمده با انتقاداتی روبه‌رو است و حتی گفته شده که نباید در مقام تفسیر، از این عبارت برداشتی بسیار متعالی کرد؛ زیرا در این صورت، این معاهده از محتوا و اثر تهی خواهد شد. توصیه می‌شود که عبارت «خطر بالا و برجسته» را در حد «خطر قابل توجه»^۱ که با عنایت به کارنامه حقوق بشری دولت، به‌سهولت قابل ارزیابی است، تقلیل دهیم.

۴-۳-۴. سازوکارهای اجرای معاهده

طبق سازوکارهای اجرایی پیش‌بینی شده در معاهده تجارت اسلحه، هر دولت عضو باید یک نظام کنترل داخلی برای اجرای مفاد و مقررات معاهده پیش‌بینی کند که شامل موارد زیر باشد:

- قوانین و مقررات مربوط به اجرای بهینه معاهده،
- مقامات و دستگاه‌های مسئول اجرای معاهده، و
- ثبت مبادلات و گزارش‌دهی که شامل گزارش‌های سالانه مربوط به صادرات و واردات تسلیحات نیز هست؛ ولی مبادلات مربوط به قطعات و مهمات را شامل نمی‌شود. همچنین بند ۳ ماده ۱۳ مقرر می‌کند که گزارش‌های کشورهای ممکن است از ارائه اطلاعات حساس مربوط به تجارت یا امنیت ملی مستثنا شوند که این خود می‌تواند نقطه ضعفی بزرگ برای نظام کنترلی معاهده ۲۰۱۳ محسوب شود و تأییدی بر نظر آن دسته از صاحب‌نظرانی باشد که نظام گزارش‌دهی معاهده را معیوب و ناقص خوانده‌اند.

یکی از اشکالات اجرایی اصلی معاهده تجارت اسلحه در بند ۲ ماده ۲۶ نهفته است که به توافقنامه‌های همکاری دفاعی که در گذشته منعقد شده‌اند، اشاره دارد و عملاً آن‌ها را حتی پس از لازم‌الاجرا شدن معاهده تجارت اسلحه، مجرا و معتبر تلقی کرده است. در تفسیر این بند می‌توان دو نکته مهم را برای کاهش آثار مخرب آن بر کل معاهده پیشنهاد کرد:

اول آن‌که این بند نباید شامل توافقنامه‌هایی شود که بعد از امضای معاهده ۲۰۱۳ تجارت اسلحه منعقد شده‌اند و ثانیاً این بند باید با توجه به روح معاهده حاضر و به‌ویژه بند ۱ ماده ۲۶

1. substantial risk

که مقرر می‌دارد اجرای تعهدات دول عضو به موجب سایر توافق‌های بین‌المللی فعلی و آتی، مشروط به تطابق این تعهدات با تعهدات منبعت از این معاهده است، مورد تفسیر قرار گیرد.

۵. نتیجه‌گیری

معاهده تجارت اسلحه ۲۰۱۳، معاهده‌ای مهم و فنی است که بی‌تردید، معاهده‌ای بسیار خاص در نظام تجارت بین‌الملل، نظام خلع سلاح و حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. این معاهده از چند نظر قابل تأمل است:

– معاهده‌ای که در عرصه تجارت بین‌المللی سلاح و مهمات محدودیت ایجاد کرده است: تجارت سلاح و مهمات، از جمله تجارت‌های بسیار پرسود در نظام تجارت بین‌الملل محسوب می‌شود که به طور خاص در اختیار برخی از کشورهای معدود است و از سویی دیگر، بسیاری از کشورهای جهان و از جمله حکومت‌های خودکامه، با خرید سلاح از کشورهای تولیدکننده، روابط سیاسی خود با این کشورها را تحکیم کرده، توسعه می‌دهند که در این‌جا شاید بتوان به برخی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس اشاره کرد که برای تحکیم روابط سیاسی خود با ایالات متحده، سالیانه میلیاردها دلار از کارخانجات اسلحه‌سازی این کشور، خرید تسلیحاتی به عمل می‌آورند. معاهده تجارت اسلحه، می‌تواند هم بر آن تجارت پرسود اثرگذار باشد و هم سرمایه‌های بی‌حساب موجود در برخی از کشورهای مشتری این تجارت را به مسیری دیگر رهنمون سازد. البته بدیهی است که باید این سؤال اساسی را از خود پرسید که چه دلیلی از حیث سیاسی و اقتصادی وجود دارد که کشورهای غربی تولیدکننده سلاح، برای انعقاد این معاهده یا پیش گذاشته‌اند؟ پاسخ به ورود سایرین به این عرصه مربوط است. چین و سایر کشورهایی که درصدد تصاحب بازارهای جهانی و از جمله بازارهای تسلیحات و مهمات هستند، رقیبی جدی برای کارخانجات اسلحه‌سازی غربی به حساب می‌آیند که باید به نحوی از حرکت پرشتاب این رقیبان جدید جلوگیری به عمل آید و معاهده تجارت اسلحه، این توان بالقوه را حداقل از حیث کنترل بازارها دارد.

– معاهده‌ای که بر لزوم رعایت و تضمین مراعات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه توسط دولت‌ها، تأکیدی مجدد و متفاوت دارد: معاهده تجارت اسلحه در کل، حاوی یک پیام کلی



است و آن این است که اگر مقصد دریافت سلاح و مهمات، در زمره حکومت‌هایی است که کارنامه حقوق بشری مثبتی ندارند و یا در سابقه کشور مقصد، تعدی جدی به موازین و مقررات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به چشم می‌خورد، این کشور و حکومت آن نباید به واسطه دریافت جنگ‌افزار مورد تقویت و حمایت قرار گیرند و همچنین تجارت اسلحه نباید موجب تقویت و حمایت از تروریسم شود. درست است که تعهد به رعایت و تضمین رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به‌عنوان قاعده‌ای عرفی و عهدنامه‌ای عام‌الشمول^۱، آن‌چنان در کالبد حقوق بین‌الملل رسوخ کرده که منجر به طرح دیدگاه‌های انسانی شدن حقوق بین‌الملل و یا دگرترین مسئولیت حمایت شده است، ولی تأکید مجدد بر این مقرر مهم و جهانشمول و این بار با ایجاد محدودیت بر درآمدهای سرشار ناشی از تجارت اسلحه و مهمات با حکومت‌هایی مثل رژیم سابق عراق یا لیبی، پدیده‌ای است که می‌تواند موجب تقویت گفتمان حقوق بشر در مجامع و محافل بین‌المللی باشد و بی‌تردید ارتباط مقررات این معاهده با تعهد بین‌المللی عرفی رعایت و تضمین مراعات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، در آینده‌ای نزدیک، این جان‌مایه اصلی مقررات معاهده را به‌عنوان قاعده‌ای عرفی در سطح حقوق بین‌الملل تثبیت می‌کند. در این میان، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی و نیز محافل دانشگاهی نقشی بس مهم و حساس بر عهده دارند تا بر عرفی بودن تعهدات بنیادین ناشی از معاهده تجارت اسلحه و به‌ویژه مفاد مواد ۶ و ۷ معاهده تأکید کنند؛ چرا که همان‌گونه که در بخش‌های پیشین گفته شد، حقوق مسئولیت بین‌المللی، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌المللی کیفری، محدودیت‌های مشابهی را بر تجارت اسلحه اعمال می‌کنند و در نتیجه از این منظر، مواد ۶ و ۷ معاهده تجارت اسلحه به هیچ‌رو بدعت جدید حقوقی محسوب نمی‌شوند. البته در همین‌جا ضرورت دارد بر این مهم تأکید شود که مواد ۶ و ۷ معاهده، با توجه به این‌که بررسی اوضاع را به عهده کشور فروشنده یا صادرکننده تسلیحات گذارده‌اند، مورد انتقاد جدی هستند؛ چون همین امر می‌تواند منافع و محاسبات سیاسی را در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با اجرای این مواد دخیل کند.

— معاهده‌ای با کاستی‌های اساسی: معاهده تجارت اسلحه، آن‌چنان‌که گفته شد دارای

1. erga omnes

کاستی‌های هنجاری است و فاصله‌ای قابل توجه با آرمان آنانی دارد که معاهده‌ای بی‌عیب و نقص را در سر می‌پروراندند. برای نمونه، تعهد به جبران خسارت قربانیان تجارت غیرمسئولانه سلاح، به دلیل مخالفت دولت‌ها از پیش‌نویس این معاهده حذف شد. این کاستی‌ها به‌ویژه در جنگ ویرانگر عربستان علیه یمن و نیز حادثه انفجار هواپیمای ام‌اچ ۱۷ خطوط هوایی مالزی در اوکراین بیش‌تر نمایان می‌شود. البته حتی در فرض تصویب این معاهده از سوی دولت‌های ذیربط و در فرض اثبات ارائه تسلیحات از سوی دولت، هیچ پیامد لازم‌الاجرائی برای دولت مورد نظر از این معاهده استنتاج نمی‌شود. با این حال، بزرگنمایی این کاستی‌ها راه به جایی نمی‌برد. معاهده تجارت اسلحه، واقعیتی عینی است که در حقوق بین‌الملل پدیدار شده و حقوق بین‌الملل و متفکران این عرصه باید بتوانند به نحو مطلوب از آن استفاده کنند. همان‌طور که گفته شد، ابهامات معاهده تجارت اسلحه را می‌توان با صدور اعلامیه‌های تفسیری دقیق در جهت تفسیر روشن و موسع مفاد معاهده تا حدود زیادی برطرف کرد. از سوی دیگر، ماده ۲۰ معاهده مقرر می‌کند که این معاهده، سندی پویا و زنده است و می‌تواند شش سال پس از لازم‌الاجرا شدن (یعنی در سال ۲۰۲۰) مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد؛ فرصتی که باید از آن در جهت رفع نقایص معاهده بهره جست.

– اجرای معاهده: امروز بیش از هر امر دیگر، اجرای همراه با حسن‌نیت این معاهده توسط دولت‌های صاحب‌اثر و ذینفوذ حائز اهمیت است. معاهده تجارت اسلحه، با همه کاستی‌هایی که دارد، اگر به‌درستی به مورد اجرا درآید و به‌ویژه قدرت‌های مهم اسلحه‌سازی جهان، راه خود را از این معاهده جدا نکنند، می‌تواند آثار مثبت فراوانی را در زمینه کاهش تلفات انسانی و مادی ناشی از تجارت بی‌رویه و غیرمسئولانه سلاح و مهمات بر جای گذارد.

۶. منابع

- [1] <https://www.oxfam.org/en/campaigns/why-we-need-global-arms-trade-treaty>
- [2] <https://www.icrc.org/en/publication/4069-protecting-civilians-and-humanitarian-action-through-arms-trade-treaty>



- [3] SC, UN Doc. S/RES/1572, 15 November 2004.
- [4] SC, UN Doc. S/RES/1521, 22 December 2003.
- [5] SC, UN Doc. S/RES/733, 23 January 1992.
- [6] SC, UN Doc. S/RES/1493, 28 July 2003.
- [7] SC, UN Doc. S/RES/1011, 16 August 1995.
- [8] SC, UN Doc. S/RES/1171, 5 June 1998.
- [9] SC, UN Doc. S/RES/1556, 30 July 2004.
- [10] SC, UN Doc. S/RES/1390, 28 January 2002.
- [11] “Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials”, UN Doc. A/CONF.144/28/Rev1, Adopted by the Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, 27 August to 7 September 1990.
- [12] Tugur v. Italy, European Commission of Human Rights, Application No. 2869/93, 18 October 1995.
- [13] ILC, Yearbook of the International Law Commission, 1996, Vol. II, Part 2. A/CN.4/SER.A/1996/Add.1 (Part 2).
- [14] Prosecutor v. Dusko Tadić, ICTY, Judgment, Appeals Chamber, IT-94-1-A, 15 July 1999.
- [15] Prosecutor v. Vidoje Blagojevic and Dragon Jokic, ICTY, Judgment, Appeal Chamber, IT- 02-60, 9 May 2007.
- [16] Momcilo Perisic v. Prosecutor, ICTY, Judgment, Appeal Chamber, IT-04-81-A, 28 February 2013.
- [17] Prosecutor v. Tihomir Blaskic, ICTY, Judgment, Appeal Chamber, IT-95-14-A, 29 July 2005.

- [18] Prosecutor v. Mile Mrksic and Veselin Sljivančanin, ICTY, Judgment, Appeal Chamber, IT-95-13/1-A, 5 May 2009.
- [19] Prosecutor v. Jean-Paul Akayesu, ICTR, Judgement, Trial Chamber, Case No. ICTR-96-4-T, 2 September 1998.
- [20] Prosecutor v. Charles Ghankay Taylor, SCSL, Indictment, Case No. SCSL-03-I, 7 March 2003.
- [21] Keith Krause, *Arms and the State: Patterns of Military Production and Trade*, Cambridge, 1992.
- [22] Zeray Yihdego, *The Arms Trade and International Law*, Hart Publishing, 2007. [23] Geir Ulfestein, *Making Treaties Work, Human Rights, Environment and Arms Control*, Cambridge, 2007.
- [24] Damien Rogers, *Post internationalism and Small Arms Control*, Ashgate, 2009.
- [25] Denise Garcia, *Small Arms and Security*, Routledge, 2006.
- [26] ICRC, “Boston Symposium on the Arms Trade Treaty: Background Paper available at: <http://www.icrc.org/eng/resources/documents/article/other/att-boston-symposium-background-papers.htm>.
- [27] Alexandra Boivin, “Complicity and Beyond: International Law and the Transfer of Small Arms and Light Weapons”, *International Review of the Red Cross*, Vol. 87, No. 859, September 2005.
- [28] ICRC, “Arms Transfers Decisions: Applying International Humanitarian Law Criteria”, 2007, at: https://www.icrc.org/eng/assets/files/other/icrc_002_0916.pdf Aaron Fellmeth, “The U.N. Arms Trade Treaty, ASIL Insights”, 20 September 2012, at: <http://www.asil.org/insights/volume/16/issue/30/un-arms-trade-treaty-temporarily-holstered>.



- [29] GA, UN Doc. A/RES/43/75, 7 December 1998
- [30] UN Register of Conventional Arms, at: <http://www.un.org/disarmament/convarms/Register/>.
- [31] <http://www.un-register.org/HeavyWeapons/Index.aspx#>.
- [32] Report of the United Nations Conference on the Illicit Trade in Small Arms and Light Weapons in All Its Aspects, UN Doc A/CONF.192/15.
- [33] GA, UN Doc. A/60/88 and Corr.1 and 2.
- [34] Wassenaar, “Wassenaar Arrangement on Export Controls for Conventional Arms and Dual-Use Goods and Technologies”, at: <http://www.wassenaar.org/>
- [35] <http://www.nytimes.com/1995/09/06/world/nobel-peace-laureates-draft-a-plan-to-govern-arms-trade.html>
- [36] European Union Code of Conduct for Arms Exports, Council of European Union, 5 June 1998.
- [37] European Council Common Position 2008/944/CFSP, defining common rules governing control of exports of military technology and equipment, 8 December 2008.
- [38] Nairobi Protocol for the Prevention, Control and Reduction of Small Arms and Light Weapons in the Great Lakes Region, the Horn of Africa and Bordering States.
- [39] ECOWAS Convention on Small Arms and Light Weapons, Their Ammunition and Other Related Materials.
- [40] Central African Convention for the Control of Small Arms and Light Weapons, their Ammunition and all Parts and Components that can be used

for their Manufacture, Repair and Assembly.

[41] Inter-American Convention Against the Illicit Manufacturing of and Trafficking in Firearms, Ammunition, Explosives, and Other Related Materials.

[42] International Arms Sales Code of Conduct Act of 1999, Part of HR 3194, Consolidated Appropriations Act 106th CONGRESS, 1st Session.

[43] US-EU Declaration on Responsibility in Arms Exports, December 2000.

[44] <http://www.un.org/disarmament/update/20130402/ATTVotingChart.pdf>,

[45] https://treaties.un.org/doc/Treaties/2013/04/20130410%201201%20PM/Ch_XXVI_08.pdf#page=21

[46] <https://www.un.org/disarmament/convarms/att/>

[47] <http://disarmament.un.org/treaties/a/att/newzealand/rat/un>

[48] Doermann, Knut, "Adoption of a Global Arms Trade Treaty: Challenges Ahead", at: <https://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/public/Research/International%20Law/160413summary.pdf>

[49] Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights, *The Arms Trade Treaty*, 2013.

[۵۰] مباحث مطرح شده در نشست علمی تخصصی معاهده تجارت اسلحه؛ واقع‌بینی یا آرمانی، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۲۷ مهر ۱۳۹۲.

[51] Case concerning Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), ICJ, 26 February 2007.